



روی دیگر تاریخ‌نگاری

• نوشنی خبازی هائسمی فام

در موارد دیگری متضاد؛ نمی‌تواند مفید فایده واقع شود. فی‌المثل اگر میشل فوکو در زمینه‌هایی مثل مراقبت و تنبیه و تیمارستان و بیمارستان در قرون وسطی و دوره‌های بعدی به نظریه پردازی مبادرت کرده است، آن نظریات مبتنی بر مطالعات عمیق اسناد مربوطه در مقاطع مختلف تاریخی فرانسه بوده است، و از آن بالاتر وی در زمرة کسانی است که در فضای مدرنیته تنفس کرده و سخنانی که گفته‌یا مطالبی که نوشته با آن زمینه‌های ذهنی و عینی مرتب است. این دیدگاه به طریق اولی نمی‌تواند لائق همیشه بر شرایط تاریخی ایران انتطبق داشته و جوابگوی معضلات تاریخی ما باشد. محقق ایرانی باید با استناد به منابع و مأخذ خود ابتدا به طور دقیق و جزئی ابعاد مختلف تاریخ کشورش را دریابد و آنگاه به نظریه پردازی مبادرت ورزد و البته احتمالاً زایش چنین نظریه‌ای است که پاسخ‌گوی برخی گره‌های تاریخی کشور خواهد بود. اگر راهی غیر از این در پیش گرفته شود، جز تقلیدی بدون وجه از آراء کسانی که در شرایط متفاوت تاریخی زندگی می‌کنند چیزی عاید نمی‌شود و اندیشه به چیزی در حد مد لباس تقلیل داده خواهد شد.

دیدگاهی که به اختصار مورد اشاره واقع شد، از سوی حسین آبادیان در تحقیقات مربوط به تاریخ معاصر ایران به ویژه کتاب دو دهه و ایسین حکومت پهلوی به کار گرفته شده است. او بر این باور است که اگر قرار است در مورد مثلاً مشروطه ایران تحقیقی انجام گیرد، محقق ناگزیر است علوم مسورد نیاز یک ایرانی برای فهم این حادثه را فراگیرد، مثلاً اندکی هم فقه و اصول بداند یا اگر می‌خواهد در مورد احزاب سیاسی تحقیق کند باید فرایندهای سیاسی حاکم بر شرایط ایران را به درستی بشناسد. تحت تأثیر مکتب تاریخی که با فردیک لیست، اقتصاددان مشهور آلمانی نیمه نخست سده نوزدهم میلادی آغاز شد، نویسنده بر این باور است که اسلوب تحقیق و تفحص تاریخی در هر جامعه‌ای بسته به شرایط گوناگون و خاص هر جامعه‌ای متفاوت است و در باب هر موضوع باید اسلوب ویژه‌ای که منطبق بر شرایط تاریخی همان جامعه است به کار گرفته شود.

در کتاب دو دهه و ایسین، نویسنده روش‌شناسی خاصی را که در کتاب دیگر خود یعنی بحران مشروطیت در ایران، به آن

دو دهه و ایسین

■ دو دهه و ایسین حکومت پهلوی

■ حسین آبادیان

■ مؤسس مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

■ ۱۳۸۴، ۱۳۸۶ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۳۰۰۰ تومان

روش‌شناسی جزء لاینفک هر تحقیق به ویژه تحقیقات تاریخی است. اسلوب تحقیق تاریخی نیز در هر جامعه بسته به موقعیت تاریخی، شرایط جغرافیایی، وضعیت اقتصادی، سامان فرهنگی و اقضایات هر جامعه از جامعه‌ای دیگر متفاوت است. به همین دلیل نمی‌توان با ابزاری واحد در مورد همه جوامع تحلیل و ارزیابی دقیقی انجام داد. با این حساب مبرم‌ترین نیاز پژوهش‌های تاریخی در مورد فرآهای مختلف تاریخ ایران، اتخاذ روش‌های لازم و مفید برای فهم ابعاد مختلف این تاریخ و به ویژه تاریخ معاصر است. در تحقیقات تاریخی ایران یا اساساً خلاً روش‌شناسی به وضوح دیده می‌شود و یا اینکه عمدتاً روش‌ها متخذ از آراء اندیشمندانی در غرب است که آرائشان برای جامعه خودشان می‌تواند مفید فایده واقع شود و به کارگیری آنها در کشوری مثل ایران با سرشت متفاوت سیاسی و فرهنگی و البته





است. این کانون‌ها برای ایران بعد از کشف اهمیت استراتژیک این کشور برای حفاظت از هند در دوره قاجار، کشف نفت و نیز تسلط بر خاورمیانه در دوره معاصر، دو راه حل دارند: اسقراور دولت وابسته و در صورت عدم امکان فوق هرج و مرج و بحران‌سازی. این سیاستی است که از دوره رقابت‌های روس و انگلیس در دوره قاجار و بعدها تشدید رقابت‌های بلوک شرق و غرب و شکل‌گیری چنگ سرد، سیاست عمومی غرب در برایر ایران بوده است، ابزار بومی پیشبرد این سیاست در ایران گروه‌های مافیایی و شبه مافیایی، و ابزار عمومی آن ایجاد هراس از دشمنان موهوم بوده است. در راستای این سیاست که به منظور تحکیم سلطه غرب بر مقدرات امور ایران انجام می‌شده است، برخی شخصیت‌های سیاسی در کنار فرایندهای به ظاهر بی‌اهمیت اما دوران‌ساز، وارد میدان. مم شده اند که بکار از آنان گروه‌های لومین هستند.

پرداختن به نقش لومین‌ها در تحولات دوران ساز تاریخی منحصر به نویسنده دو دهه واپسین نیست و به طور خاص در مورد تحولات ملی شدن نفت ایران و کودتای بیست و هشتم مرداد سال ۱۳۳۲؛ نویسنده‌گان عدیده بر آن تأکید نهاده‌اند. اما یک تفاوت بارز بین آن تحقیقات و تحقیق آبادیان وجود دارد و آن هم در ارتباط با همان موضوع روش‌شناسی خاص این نویسنده است. او بر این باور است که لومین‌ها ابزار پیشبرد اهداف سیاسی گروه‌های پنهان سیاسی و اهرم سرکوب نیروهای اجتماعی اند بدون اینکه الزاماً خود به نقش تاریخی خویش وقوف داشته باشند. ویزگی بارز این گروه‌های نگون بخت اجتماعی این است که فاقد

پرداخته؛ ادامه داده است. یکی از مهم‌ترین محورهای این روش، توجه به ساختار تحولات سیاسی و مضمون عمومی آن است. نویسنده بر این باور است که فعالیت‌های پشت پرده سیاسی که وی آن را «نهان روشی» یا «فرایندهای مخفی سیاسی» نام نهاده در تحولات آشکار ایران نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است؛ بنا برایش نمی‌توان در مورد تاریخ تحولات سیاسی ایران معاصر قضاوتی کرد بدون اینکه ساختارهای حاکم بر این فرایندها را شناسایی نمود. در این راستا ضروری است شخصیت‌های تاریخی شناسایی شوند و نقش آنان در تحولات، مورد ارزیابی واقع شود. او بر این باور است که شخصیت‌های سیاسی در ایران، در مواقف متعدد بیش از احزاب سیاسی منشأ اثر بوده‌اند و در موارد زیادی یک شخصیت سمبول و مظہر یک حزب یا یک جریان تاریخی خاص بوده است. این دیدگاه تا حدی شبیه به نظریات گثورگی پلخانف در مورد نقش شخصیت‌ها در تاریخ است. حسین آیادیان بر این باور است که شخصیت‌ها مظہر پاره‌ای تحولات تاریخی‌اند و تاریخ در قالب شخصیت‌های خاص، تجلی و بروز و ظهور می‌کند. پس شناخت شخصیت، شناخت یک حادثه تاریخی است. از سوی دیگر در کنار پرداختن به سطوح آشکار سیاسی جامعه؛ مبرم‌ترین نیاز پرداختن به سطوح پنهان فعالیت‌های سیاسی است که وی آن را فعالیت‌های مافیایی هم نام می‌نهد. با این قضاوت بین فعالیت‌های مافیایی سیاسی با مافیایی اقتصادی پیوندی ناگستین وجود دارد و سرنشته این مافیا که امور خود را از راه مخفی کاری به پیش می‌برد، در دست کانون‌های مشخص اقتصاد سرمایه‌داری

**روشناسی جزء لاینفک هر تحقیق به ویژه تحقیقات تاریخی است.
اسلوب تحقیق تاریخی نیز در هر جامعه بسته به موقعیت تاریخی، شرایط
جغرافیایی، وضعیت اقتصادی، سامان فرهنگی و اقتضایات هر جامعه از
جامعه‌ای دیگر متفاوت است**

و همانطور که شخصیت اصلی داستان‌های آگاتا کریستی بعد از یافتن سرنخی هر چند می‌اهمیت به درون سوژه تحقیق خود رسوخ می‌کند و دائم بر ابعاد شناسایی خود از ماهیت موضوع می‌افزاید؛ مورخ نیز باید به چنین روشی مبادرت ورزد. در این زمینه، لازم است مورخ کلیه جزئیات را مورد توجه قرار دهد و از کنار هیچ حادثه یا شخصیت تاریخی به آسانی عبور نکند. نویسنده دو دهه واپسین ظاهرآ تحت تأثیر برخی از فیلسوفان اگزیستانسیالیست بر این باور است که هر چه در اطراف انسان می‌گذرد اهمیت دارد، به همین دلیل برای فهم یک حادثه و برای درک ماهیت یک موضوع تاریخی، لازم نیست خیلی راه دوری برویم؛ باید حادثه‌ای را که در کنار دست مورخ در حال وقوع است، مورد تأویل قرار دهیم؛ و برای شناخت حال، ابعاد حوادث تاریخی خاص خود را مرور نماییم. مثلاً برای نیل به الگوی توسعه سیاسی و شناخت موضع آن باید به تاریخ و رفتار و کردار مردم خود مراجعه کنیم، در رفتار هر چند پیش پا افتاده آنان تأمل و بر آن اساس نظریه‌پردازی نماییم.

با این وصف تباید کتاب دو دهه واپسین حکومت پهلوی را کتابی صرف‌مربوط به وقایع و حوادث ارزیابی کرد. در پشت این کتاب اندیشه‌ای نهفته است که تلاش می‌کند کلید فهم تحولات تاریخ معاصر ایران را به دست دهد. این اثری است بین رشته‌ای که رگه‌هایی از دیدگاه‌های مربوط به فلسفه سیاسی گرفته تا اقتصاد سیاسی و مدل‌های تحلیل مناسبات اجتماعی و نیز فلسفه در آن دیده می‌شود. از همان فصل نخست مشخص است که سفارت امریکا در دوره ملی شدن نفت. در این رقبات‌ها از یک سو دیگر اول سفارت امریکا یعنی روی ملیون قرار داشت و در سوی هندرسون سفیر کبیر امریکا در ایران. نویسنده با انتکاء به استاد درجه اول نشان داده است که در سفارت امریکا فعالیتی مافایی از سوی ملکون سازماندهی شده بود و در این مافایا روزنامه‌نگاران، افسران ارتش، نیروهای امنیتی و لومپن‌ها سازماندهی می‌شدند.

درک طبقاتی و شعور سیاسی‌اند، به همین دلیل با انگیزه‌هایی حقیر به میدان می‌آیند و وقتی نقش خود را ایفا کردن باز هم به حاشیه رانده می‌شوند و در موارد عدیده خود قربانی چیزی می‌شوند که از باطن آن اگاهی نداشته‌اند. به عبارتی، به دلیل درک نازل آنان از ماهیت تحولات، به سادگی مورد سوء استفاده گروه‌های مافایی واقع می‌شوند و بعد از رسیدن به نتیجه، و برای اینکه این گروه‌ها خود را از شر آنان آسوده سازند؛ قربانیشان می‌کنند. اما این سخن بدان مفهوم نیست که نویسنده نسبت به موضوعاتی اساسی مثل اقتصاد سیاسی بی‌توجه باشد. در کتاب بحران مشروطیت و در همین کتاب دو دهه واپسین، نویسنده نشان داده است که از نظریات مربوط به فعالیت‌های شرکت‌های فرامیانی آگاه است و به طور آشکاری در تحلیل تلاش‌های این شرکت‌ها، متأثر از دیدگاه‌های پل سوئیزی است، اما وی این دیدگاه را بر شرایط خاص ایران انطباق داده است.

حسین آبادیان در تلاش است تا نشان دهد که در تاریخ معاصر ایران اغلب حاشیه بر متن غلبه کرده است، این حاشیه می‌تواند حاشیه فعالیت‌های سیاسی یا گروه‌های حاشیه‌ای باشد. این گروه‌های حاشیه‌ای در مواردی بیش از گروه‌های نخبه سیاسی یا شخصیت‌های مهم اجتماعی در تحولات ایران مؤثر بوده‌اند، به همین دلیل است که بهترین ابزار در دستان گروه‌های قدرت بوده‌اند. بین شخصیت‌های مؤثر سیاسی که از طریق نهان روش کار خود را بیش می‌برند و بی‌توجه به فرایندی‌های آشکار سیاسی و افکار عمومی به تلاش برای کنترل اوضاع مبادرت می‌ورزند و این گروه‌های حاشیه‌ای ارتباطی تنگاتنگ برقرار است. این روش است که در تاریخ معاصر ایران بارها آزموده شده و نتایجی مهم از آن به دست آمده است.

برای نیل به سرشت تحولات و درک ماهیت حوادث، لازم است تبار وقایع تاریخی، شخصیت‌های سیاسی و گروه‌های فعال در صحنه شناسایی شوند. در این زمینه، نویسنده دو دهه واپسین بر این باور است که بی‌بردن به ماهیت تحولات روشی مثل روش کارآگاهان را می‌طلبد. همانطور که یک کارآگاه مثل شرلوک هولمز، از یک نشانه بی‌اهمیت بی به ابعاد ماجراپی عظیم می‌برد؛

تا کنون نقش امریکا در تحولات داخلی ایران صرفاً به نقش سیا در کودتای ۲۸ مرداد خلاصه شده، حال آنکه مسئولیت دولت امریکا در روی کار آوردن دولتی دست نشانده در دهه های چهل و پنجاه شمسی، بسیار بیش از نقش این دولت در فروپاشی دولت مصدق است

چیزی در اندیشه حفظ ایران به مثابه کلید تسلط بر خاورمیانه و جلوگیری از نفوذ شوروی در منطقه بوده اند تا چیز دیگر. در این راستا از انواع گروه های مافیایی و نیز اوباش و گروه های حاشیه ای اجتماع در راستای طرح های فوق بهره گیری می کردند و سرانجام کار به جایی رسید که با حمایت دولت های امریکا، یکی از ابسطه ترین حکومت های تاریخ در ایران شکل گرفت. این موضوع در ارتباط با دیدگاه کلی نویسنده است که برای غرب؛ توسعه سیاسی ایران هیچ اهمیتی نداشته است و این کشور برای غرب سرمایه داری به مثابه منع ارزی و زائد قدرتی همل ایالات متعدد در منطقه تلقی می شده است. در کتاب دو دهه واپسین با نکته ای ظریف مواجه می شویم و آن این است که از سوی ایالات متعدد هم زمان دو دیبلوماسی در برابر ایران اعمال می شد: نخست از سوی سیا و دوم از سوی وزارت خارجه. نویسنده تشان داده است که کنترل اصلی سیاست ایران با سیا بود، در همین ارتباط سیا برای تصدی قدرت توسط عده ای دست نشانده که خود سازمان دهی کرده بود تلاش کرد و بالاخره کسانی را در مناصب اجرایی کشور مستقر ساخت که بیش از همه حافظ منافع امریکا در کشور بودند تا منافع ملی ایران. این نکته ای است که توسط خود کارشناسان امریکایی بیان شده و نویسنده به بخشی از آن نظرات در همین کتاب اشاره کرده است.

در این کتاب، متوجه می شویم بین فرایندهای مخفی سیاسی و تکاپوهای سرویس های امنیتی و جاسوسی غرب با برخی فرایندهای مخفی سیاسی ایران پیوندی تنگاتسگ وجود دارد. این پیوند به طور مشخص با جریان ها، شخصیت ها و گروه هایی است که حداقل یک وجه مشترک با هم دارند: تأکید بر خطر کمونیسم و باور به تسلط بر ایران به مثابه کلید امنیت خاورمیانه. در این کتاب نشان داده شده است که چگونه آزادی خواهی در کنار عدالت طلبی در مذیع سرمایه قربانی شده اند. مطالعه این کتاب نه تنها برای تحلیل اوضاع و احوال سیاسی ایران در مقاطع دهه های سی تا پنجاه واجد اهمیت است، بلکه راه را برای تحلیل پاره ای حوادث دیگر و مناسبات ایالات متعدد با ایران در مقاطع گوناگون می گشاید.

به جز شخص ملیورن، دو تن دیگر از هدایت گران تحولات این دوره یکی شاپور ریورتر بود و دیگری شبکه برادران رشیدیان. نویسنده دلیل تأکید خود بر این شبکه را در ربط با تحولات دوره پهلوی دوم به ویژه در ارتباط با فضای جنگ سرد و تلاش غرب و شرکت های فرامیلتی جهت سرمایه گذاری بیشتر در ایران، در صحنه بعدی نیز نشان داده است.

در این کتاب تلاش های شبکه های پنهان و مؤثر در فضای سیاسی ایران مشتمل بر حلقه سید ضیاء الدین طباطبائی، حزب عامیون تقی زاده، شبکه ای از حزب زحمتکشان ملت ایران، گروه های فراماسوتی مثل لژ روشنایی، گروه جمال امامی، شبکه رشیدیان، و سایر گروه ها و شخصیت ذی نفوذ بر اساس استاد متقد مورد ارزیابی واقع شده و نقش این گروه ها در شکل گیری فرایندهای سیاسی ارزیابی گردیده است. از سوی دیگر، نقش گروه های حاشیه ای در ارتباط با این جریان های مؤثر بازسازی گردیده و نشان داده شده است که گروه های ماسونی و جریان های ذی نفوذ چگونه برای پیشبرد اهداف خود حتی شخصیتی مثل اینی را با افتتاح از صحته خارج کردن و همین جریان های مافیایی وقتی دوام دولت اقبال را نیز به زیان سلطنت تشخیص دادند چگونه وی را قربانی نمودند.

یکی از تأکیدات عمده این کتاب، حول محور سیاست های امریکا در ایران بعد از کودتای بیست و هشتم مرداد دور می زند. نویسنده بر این نکته تأکید کرده است که تا کنون نقش امریکا در تحولات داخلی ایران صرفاً به نقش سیا در کودتای ۲۸ مرداد خلاصه شده، حال آنکه مسئولیت دولت امریکا در روی کار آوردن دولتی دست نشانده در دهه های چهل و پنجاه شمسی، بسیار بیش از نقش این دولت در فروپاشی دولت مصدق است. این دوره مصادف شدن با سال های سرکوب، تشدید فضای خفغان و بگیر و بند ساواک و همزمان با افزایش سرمایه گذاری شرکت های فرامیلتی است و نقش دولت امریکا در تحولات این سال ها غیر قابل انکار است. حسین آبادیان بر این باور است که دولت های امریکا و حتی دولت جان، اف. کنی در شعارهای اصلاحات و توسعه سیاسی - اقتصادی ایران صادق نبوده اند و بیش از هر